



## Comparison of the Metaphorical Reflection of Time in Two Discourses of Persian Press Texts

Zeinab Nouri<sup>1</sup>, Belghis Rovshan<sup>2</sup>, Arsalan Golfam<sup>3</sup>

1. Ph.D. Student, Department of Linguistics, Faculty of Literature, Humanities and Social Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: zeynabnouri2018@gmail.com
2. Corresponding Author, Professor, Department of Linguistics, Faculty of Literature and Humanities, Payame Noor University, Tehran, Iran. E-mail: bl\_rovshan@pnu.ac.ir
3. Associate Professor, Department of Linguistics, Faculty of Humanities, Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran. E-mail: golfamarsalan@gmail.com

---

### Article Info

#### Article type:

Research Article

#### Article history:

**Received:** 14 February 2020

**Received in revised form:**  
16 September 2021

**Accepted:** 20 October 2021

**Available online:** 21 March  
2022

#### Keywords:

Cognitive semantics,  
conceptual metaphor  
theory,  
time metaphor,  
Persian press texts,  
economic texts,  
political texts.

### ABSTRACT

In this descriptive-analytic research, different Persian time metaphors reflected in political and economic articles of *Shargh Newspaper* are compared in the general framework of cognitive semantics, with emphasis on Lakoff and Johnson's conceptual metaphor theory (1980), while using Núñez and Sweetser's approach (2006) and mathematical logic. The goals are determining: (1) adequacy of the theory, (2) different types of time metaphor and their dominant pattern in the articles, (3) their distribution, and (4) how they are expressed. Research population consists of all political and economic articles of *Shargh Newspaper* in 1396 and 60 randomly chosen articles make the sample. The results approved the adequacy of the theory and indicated that time-moving metaphor with the highest frequency (72%) was the dominant pattern while other patterns were ego-moving metaphor (%18) and time-moving-without-ego metaphor (%9). Time-ego-moving metaphors (%1) didn't make any pattern. The results revealed no significant difference between the above-mentioned metaphors in each kind of the articles but revealed a significant difference between time-moving metaphor and the others in data. Moreover, most temporal concepts were expressed via spatial concepts. This means time is more basic and vital than space in political and economic issues.

---

**Cite this article:** Nouri, Z., Rovshan, B., Golfam, A. (2022). Comparison of the Metaphorical Reflection of Time in Two Discourses of Persian Press Texts. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 10 (1), 79-98.



© The Author(s).

Publisher: Razi University.

DOI: 10.22126/JLW.2020.5047.1411

---



## مقایسه بازتاب استعاری زمان در دو گفتمان متون مطبوعاتی فارسی

زینب نوری<sup>۱</sup>، بلقیس روشن<sup>۲</sup>، ارسلان گلفام<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری، زبان‌شناسی همگانی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. رایانامه: zeynabnouri2018@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، استاد گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: bl\_rovshan@pnu.ac.ir

۳. دانشیار، گروه زبان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: golfamarsalan@gmail.com

### اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۲۵ بهمن ۱۳۹۸

تاریخ بازنگری: ۲۵ شهریور ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲۸ مهر ۱۴۰۰

دسترسی آنلاین: ۱ فروردین ۱۴۰۰

واژه‌های کلیدی:

معناشناسی شناختی،

نظریه استعاره مفهومی،

استعاره زمان،

متون مطبوعاتی فارسی،

متون سیاسی،

متون اقتصادی.

در پژوهش توصیفی - تحلیلی حاضر، در چارچوب کلی معناشناسی شناختی و با تأکید بر نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰)، ضمن بهره‌گیری از روش نونز و سویتسر (۲۰۰۶) و منطق ریاضی، استعاره‌های حرکتی زمان در مقاله‌های سیاسی و اقتصادی روزنامه شرق مقایسه می‌شوند. اهداف پژوهش تعیین کارآیی نظریه یادشده، تعیین انواع استعاره‌های حرکتی زمان و الگوی غالب در این متون، چگونگی توزیع و سازوکارهای بیانی آن‌هاست. جامعه آماری شامل همه مقاله‌های سیاسی و اقتصادی این روزنامه در سال (۱۳۹۶) و حجم نمونه شصت مقاله است. نتایج بیان‌گر کارآیی نظریه شناختی مورد بحث بود؛ افزون بر این، مشخص شد که استعاره حرکت زمان با بیشترین بسامد (۷۲٪)، الگوی غالب است و استعاره‌های حرکت ناظر (۱۸٪) و حرکت بی‌ناظر (۹٪) دیگر الگوهای موجود هستند. نگارندگان استعاره حرکت زمان و ناظر را که از کمترین بسامد (۱٪) برخوردار بود، الگو تلقی نکردند. بین توزیع انواع استعاره‌ها در هر یک از متون سیاسی و اقتصادی اختلاف معناداری دیده نشد؛ اما در کل داده‌ها اختلاف معناداری بین استعاره حرکت زمان و استعاره‌های دیگر وجود داشت که می‌تواند نشانه‌ای از بنیادی‌تر و حیاتی‌تر بودن زمان نسبت به مکان در مسائل اقتصادی و سیاسی باشد؛ اگرچه در بیشتر استعاره‌ها، مفاهیم زمانی با استفاده از مفاهیم مکانی بیان شده بودند.

استناد: نوری، زینب؛ روشن، بلقیس؛ گلفام، ارسلان (۱۴۰۱). مقایسه بازتاب استعاری زمان در دو گفتمان متون مطبوعاتی فارسی.

فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۱۰ (۱)، ۷۹-۹۸.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 10.22126/JLW.2020.5047.1411

## ۱- مقدمه

در مطالعات زبان‌شناختی، ارتباط بین زبان، ذهن و اندیشه از دیدگاه‌های مختلف بررسی می‌شود. یکی از این دیدگاه‌ها رویکرد زبان‌شناسی شناختی<sup>۱</sup> است که زبان را براساس تجربیات ما از جهان، چگونگی درک و شیوه مفهوم‌سازی<sup>۲</sup> ما مطالعه می‌کند. در این رویکرد، باور بر این است که بازنمودهای ذهنی از واقعیت با مداخله نظام‌های مفهومی<sup>۳</sup> و دریافتی منحصر به فرد انسان ساخته می‌شود و گرچه «مفهوم‌سازی دامنه نامحدودی دارد؛ اما زبان یک نظام محدود را برای بیان اندیشه بازنمود می‌کند.» (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۷) یکی از موضوعات برجسته در این رویکرد، استعاره<sup>۴</sup> است که «به کاربردهای استعاری گویندگان و قراردادهای زبانی اشاره ندارد، بلکه به معنای الگوی تداعی مفهومی<sup>۵</sup> است.» (روشن و اردبیلی، ۱۳۹۲: ۱۱۵). استعاره به‌ویژه در معناشناسی شناختی<sup>۶</sup> - یکی از زیرشاخه‌های زبان‌شناسی شناختی - بسیار مهم است.

گرچه استعاره از زمان ارسطو تاکنون به‌مثابه ارائه‌ای ادبی مطالعه شده است، اما لیکاف و جانسون<sup>۷</sup> (۱۹۸۰)، با طرح نظریه استعاره مفهومی<sup>۸</sup> تأکید می‌کنند که استعاره مختص زبان ادبی نیست، بلکه جایگاه برجسته‌ای در زبان روزمره دارد و ابزاری برای اندیشه و تفکر و درک مفاهیم پیچیده انتزاعی است. زمان<sup>۹</sup> یکی از حوزه‌های مفهومی انتزاعی است که در قالب حوزه ملموس‌تر فضا<sup>۱۰</sup> (مکان) درک و بیان می‌شود و این همان چیزی است که لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) آن را «استعاره زمان به‌مثابه مکان» می‌نامند. لیکاف (۱۹۹۳) پژوهش پیچیده‌تری در خصوص استعاره‌های مفهومی انجام می‌دهد و «این عقیده که استعاره مفهومی از مجموعه تناظرهای میان حوزه مبدأ<sup>۱۱</sup> (مانند مکان و حرکت) و حوزه مقصد<sup>۱۲</sup> (مانند زمان) تشکیل شده است برپایه همین مقاله مطرح شده ... است» (کوچش<sup>۱۳</sup>، ۱۳۹۳: ۳۱).

1. cognitive linguistics
2. conceptualization
3. conceptual systems
4. V. Evans & M. Green
5. metaphor
6. conceptual association pattern
7. cognitive semantics
8. G. Lakoff & M. Johnson
9. conceptual metaphor theory
10. time
11. space
12. source domain
13. target domain
14. Z. Kövecses

تاآنجا که نگارندگان اطلاع دارند، تاکنون پژوهش‌های بسیاری درباره استعاره‌های مفهومی در زبان‌های مختلف و زبان فارسی انجام پذیرفته است؛ اما بررسی بازتاب استعاری زمان در مقاله‌های موجود در متون مطبوعاتی اندک است. مورنا لارا<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) استعاره مفهومی و زبان سیاسی مجله نیویورک‌تایمز را بررسی کرده و ضمن تحلیل (۱۲۰) استعاره مفهومی گردآوری شده بر مبنای هر دو روش تحلیلی قیاسی و استقرایی، جنبه‌های جدیدی از زبان استعاری را کشف کرده و شواهدی برای ارائه فرضیه‌های جدید به دست داده است. یوسفی‌راد (۱۳۸۲) وجود و کیفیت استعاره‌های «زمان به‌مثابه حرکت» در زبان فارسی را بررسی کرده و نشان می‌دهد هر دو نوع استعاره‌ای که لیکاف مطرح می‌کند، یعنی استعاره حرکت زمان<sup>۲</sup> و استعاره حرکت ناظر<sup>۳</sup>، در زبان فارسی وجود دارند. وی، همچنین، به استعاره کم‌بسامد دیگری اشاره می‌کند که در آن سرعت حرکت ناظر نسبت به سرعت حرکت زمان سنجیده می‌شود؛ گویی سرعت حرکت زمان معیار است و ناظر باید سعی کند از آن عقب نماند و ترجیحاً جلوتر از زمان حرکت کند.

سجودی و قنبری (۱۳۹۱) وجود و کیفیت استعاره مفهومی «گذر زمان به‌مثابه حرکت در مکان» را در قصه‌های کودک گروه‌های سنی الف، ب و ج بررسی کرده و نشان داده‌اند که کودکان فارسی‌زبان در این گروه‌ها مفهوم زمان را به‌واسطه حرکت در مکان درک می‌کند و این نه‌تنها با حرکت خطی در راستای افقی و عمودی امکان‌پذیر است، بلکه از نظر کیفی جهت حرکت می‌تواند متفاوت باشد. افراشی (۱۳۹۲) پس از بررسی انواع استعاره‌های زمان، عنوان می‌کند که در ظاهر در زبان فارسی، محور ادراک زمان بر مبنای مکان، محوری افقی است و زمان بر مبنای مقوله‌های شیء و نیز تقابل سکون و حرکت مفهوم‌سازی می‌شود. شرف‌زاده و همکاران (۱۳۹۲) به‌منظور مطالعه مفهوم استعاری زمان، اصطلاحات زمانی و فضایی مربوط به موضوع را که از اخبار چند روزنامه و مجله فارسی‌زبان جمع‌آوری کرده بودند، با استفاده از پرسش‌نامه در اختیار آزمودنی‌های خود گذاشتند و جویای تصویر آن‌ها درباره چگونگی زمان شدند.

نتایج نشان دادند که استعاره‌های زمانی افقی بیشتر از استعاره‌های زمانی عمودی هستند، البته به‌جز مفاهیم روز، شبانه‌روز، ساعت و هفته که بیشتر در غالب استعاره‌های زمانی عمودی در ذهن آنان وجود داشته است. روشن و وندحسینی (۱۳۹۵) براساس رویکردهای تروگات (۱۹۷۸) و دافی و ایوانز

1. M.Á. Morena Lara

2. time-moving metaphor

3. ego-moving metaphor

(۲۰۱۶)، خطوط زمان را در زبان فارسی، با توجه به زبان بدن بررسی کردند. بخشی از نتایج ایشان نشان داد که هم‌سو با نظر ترگوگات، زمان در فارسی از نوع اشاری است؛ اما برخلاف آن، توالی رویدادها در محور عمودی قرار دارد و به‌طور کلی، هم‌سو با نظر دافی و ایوانز (۲۰۱۶)، ادراک زمان دارای ماهیت پیچیده‌ای است.

پژوهش حاضر، در چارچوب کلی معاشناسی شناختی و به‌طور مشخص نظریه لیکاف و جانسون (۱۹۸۰)، وجود و کیفیت استعاره مفهومی «زمان به‌مثابه حرکت است» را در مقاله‌های سیاسی و اقتصادی موجود در متون مطبوعاتی فارسی بررسی کرده است و می‌کوشد به این دو پرسش پاسخ دهد: (۱) استعاره «زمان به‌مثابه حرکت است» در متون سیاسی و اقتصادی موجود در مطبوعات زبان فارسی چگونه عمل می‌کند و الگوی غالب آن کدام است؟ (۲) نحوه توزیع استعاره‌های حرکتی زمان چگونه است و چه تفاوتی میان توزیع این استعاره‌ها در متون مورد بحث وجود دارد؟

بررسی این موضوع که آیا نظریه استعاره لیکاف و جانسون در تبیین استعاره زمان در متون سیاسی و اقتصادی گفتمان مطبوعاتی زبان فارسی کارایی دارد، هدف اصلی پژوهش است و اهداف فرعی شامل تعیین انواع استعاره‌های حرکتی زمان با بهره‌گیری از روش نونز و سویتسر<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) و منطق ریاضی، چگونگی توزیع و نیز سازوکارهای بیانی آن‌ها در متون مورد بررسی است.

## ۲- روش پژوهش

نوشتار پیش رو توصیفی - تحلیلی است و نگارندگان به‌منظور توصیف عینی و کیفی محتوای مفاهیم متون مطبوعاتی به‌صورت نظام‌مند، استعاره‌های زمانی را در متون سیاسی و اقتصادی بررسی می‌کنند. همه مقاله‌های سیاسی و اقتصادی که در شش ماه نخست سال (۱۳۹۶) در روزنامه شرق منتشر شده‌اند، جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند و (۲۰٪) آن‌ها، شامل (۳۰) مقاله سیاسی و (۳۰) مقاله اقتصادی، به‌طور تصادفی به‌عنوان حجم نمونه انتخاب و بررسی می‌شوند. ابزار پژوهش چک‌لیست است و پس از جمع‌آوری داده‌ها، افعال برحسب جهت و نوع حرکتشان در مکان دسته‌بندی می‌شوند؛ سپس، در هر نوع تقسیم‌بندی، به بررسی و تحلیل اینکه زمان در حرکت است یا ناظر و نیز حالت‌های ممکن دیگر پرداخته می‌شود. درنهایت، توزیع انواع استعاره‌ها مقایسه و با استفاده از آزمون یو-من‌ویتنی معناداری تفاوت‌های احتمالی تعیین می‌گردد؛ افزون بر این، سازوکار استعاره «زمان به‌مثابه حرکت است» در گونه‌های مختلف تعیین خواهد شد.

## ۳- چارچوب نظری

معناشناسی شناختی رابطه بین تجربه، نظام مفهومی و ساختار معنایی رمزبندی شده به وسیله زبان را مطالعه و به طور خاص، چگونگی باز نمود دانش (ساختار مفهومی) و ساخت معنا (مفهوم سازی) را بررسی کرده است (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۴۸). در این رویکرد، استعاره سازوکاری است که در سطح جمله و فراتر از آن در زبان تسری دارد و در تفکر و زبان، نقشی کلیدی به آن محول شده است؛ برای نمونه، توجیه وجود جمله بهار نزدیک می شود، از رهگذر باور به وجود یک «الگوی مفهومی ذهنی»<sup>۱</sup> امکان می یابد که عبارت است از: «زمان شیء متحرک است». در بحث استعاره مفهومی، این الگوهای مفهومی ذهنی را نگاشت<sup>۲</sup> می نامند که در قالب ساخت های متفاوتی باز نمود می یابند (سعید، ۲۰۰۳: ۳۴۴).

لیکاف و جانسون (۱۹۸۰: ۵) جوهره استعاره را فهم و تجربه چیزی از یک نوع به واسطه چیزی از نوع دیگر می دانند. به باور آن ها استعاره مفهومی نظام مند است و نظام تصویری ذهن بشر دارای ذاتی استعاری است؛ افزون بر این، معتقدند که استعاره با فرهنگ در تعامل است و این امر موجب گوناگونی های مفاهیم استعاری در زبان های مختلف می شود.

رابطه زمان و مکان: بورودیتسکی<sup>۴</sup> (۲۰۰۰) و بورودیتسکی و رمسکار<sup>۵</sup> (۲۰۰۲) پس از انجام مطالعات تجربی درباره مفهوم سازی ذهنی حرکت در مکان و مفهوم سازی از زمان به این نتیجه رسیدند که مکان و زمان از نظر مفهومی در سطحی ژرف تر با یکدیگر ارتباط دارند. رادن<sup>۶</sup> (۲۰۰۳) به تفاوت های ماهیتی زمان و مکان اشاره می کند و می نویسد که مکان پدیده ای سه بعدی است، در حالی که زمان پدیده ای دوبعدی به شمار می آید؛ از سوی دیگر، حرکت در مکان بازگشت پذیر است، اما گذر زمان جریانی یک سویه دارد. وی مکان را با اشیاء و زمان را با رویدادها مرتبط می داند. کاساسانتو<sup>۷</sup> و بورودیتسکی (۲۰۰۸: ۵۸۰) دو مثال زیر را برای برشمردن تفاوت بین حوزه زمان و مکان بیان می کنند.

(1) They moved the truck forward two meters.

آن ها کامیون را دو متر جلوتر بردند.

1. mental conceptual model
2. mapping
3. J. I. Saeed
4. L. Boroditsky
5. M. Ramscar
6. G. Radden
7. D. Casasanto

## (2) They moved the meeting forward two hours.

آن‌ها جلسه را دو ساعت جلوتر بردند.

آنان معتقدند که در مثال (۱) کامیون وسیله‌ای فیزیکی است که در مکان حرکت می‌کند و ما می‌توانیم حرکت آن را از آغاز تا پایان با حواس پنج‌گانه دنبال کنیم؛ اما در مثال (۲) هیچ‌گونه حرکت فیزیکی‌ای صورت نمی‌گیرد. جلسه، چیزی نیست که بتواند در عالم واقع در مکان جابه‌جا شود و هیچ راهی برای درک حسّی جابه‌جایی آن وجود ندارد. گالتون<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) معتقد است زمان چهار ویژگی مشترک با مکان دارد: گسترش<sup>۲</sup>، خطی بودن<sup>۳</sup>، جهت‌دار بودن<sup>۴</sup> و گذرابودن<sup>۵</sup>. به‌باور وی، گسترش یعنی زمان از اجزای جداگانه تشکیل شده است (مانند لحظات متمایز). خطی بودن به این معناست که هر سه نقطه‌ای از زمان که در نظر گرفته شوند، یکی بین دو نقطه دیگر واقع می‌شود. جهت‌دار بودن مربوط به قرینگی بین گذشته و آینده است و گذرابودن به ناپایداری و عبور زمان اشاره می‌کند.

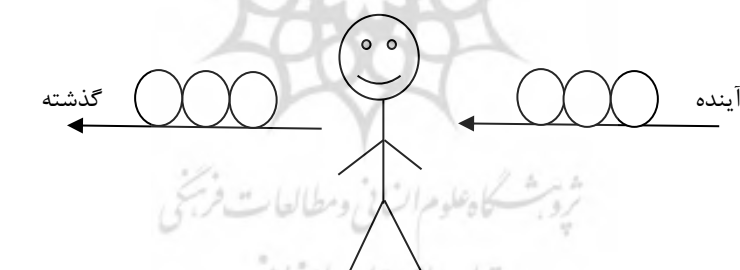
**استعاره‌های حرکتی زمان:** بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که در زبان‌های مختلف، مفهوم زمان براساس مکان درک و بیان می‌شود (کلارک<sup>۶</sup>، ۱۹۷۳؛ تراگوت<sup>۷</sup>، ۱۹۷۸؛ لیکاف، ۱۹۸۷، ۱۹۹۳؛ آلورسون<sup>۸</sup>، ۱۹۹۴). آلورسون (۱۹۹۴) می‌کوشد تا نشان دهد در زیرساخت انواع مختلف استعاره‌های مربوط به زمان تجربیات جهانی مشترکی وجود دارد. به‌باور وی، تظاهرات مختلف زمانی در زبان‌ها قراردادی نیستند و ریشه در تجربیات بدنی اولیه انسان و همچنین، تجربیات فرهنگی وی دارند. آلورسون می‌نویسد که در بسیاری از زبان‌ها، مفهوم زمان با استفاده از اصطلاحات مکانی مانند جهت و حرکت بیان می‌شود و انسان‌ها می‌توانند مکان را به‌طور مستقیم در محیط اطرافشان تجربه کنند؛ اما مفهوم زمان از چنین عینیتی برخوردار نیست، بنابراین آن‌ها زمان را در قالب استعاره درک و بیان می‌کنند.

**تمایز استعاره‌های حرکت ناظر و حرکت زمان:** این تقسیم‌بندی از پربسامدترین و پرکاربرترین تقسیم‌بندی‌های زبانی در حیطه زمان است. پژوهشگران بسیاری استعاره‌های حرکتی زمان را بر مبنای

1. A. Galton
2. extension
3. linearity
4. directionality
5. transience
6. H. H. Clark
7. E. C. Traugott
8. H. Alverson

تمایز ناظر و زمان، به مثابه مرجع حرکت، تقسیم کرده‌اند. تالمی<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) اظهار می‌دارد که حرکت زمان و حرکت ما (ناظر) دو دیدگاه متفاوت از یک صحنه هستند؛ در واقع، این دو دیدگاه چون تصویر یکدیگر در آینه‌اند. در حرکت زمان، گویی زمان شیء است که در بستر حرکت ما قرار گرفته و در حرکت ما، گویی ما در بستر حرکت زمان قرار گرفته‌ایم.

لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) هنگام مطرح کردن نظریه استعاره مفهومی، اشاره می‌کنند که در زبان انگلیسی استعاره «گذشت زمان حرکت است» بسیار پرکاربرد است. در این استعاره، زمان حال در مکانی قرار گرفته که ناظر حضور دارد، آینده در مکانی جلوتر از او و گذشته در مکانی پشت سر یا پیش از او واقع شده است. در این استعاره، هر یک از عناصر ناظر یا زمان می‌توانند حرکت کنند، در حالی که دیگری در یک مکان ثابت است. در حالت اول، ناظر ثابت است و زمان از برابر وی می‌گذرد. وی این حالت را استعاره حرکت زمان می‌نامد. در شکل (۲) این حالت به نقل از ایوانز (۲۰۱۵: ۷۳) ارائه شده است. در این شکل (و نیز شکل ۳) رویدادها به صورت دایره‌های کوچک و حرکت به وسیله فلش نمایش داده شده‌اند. رویدادها از آینده به سمت ناظر آمده و سپس وی را در حالی که به سمت گذشته حرکت می‌کنند، پشت سر می‌گذارند.



شکل (۲). استعاره حرکت زمان (ایوانز، ۲۰۱۵: ۷۳)

به‌باور لیکاف و جانسون (۱۹۹۹: ۱۴۳) جملاتی که در زبان یافت می‌شوند، شاهدهی برای بازنمایی‌های این نوع استعاره زمان در ذهن انسان هستند؛ همچنین، بیشتر فهم ما نسبت به زمان براساس فهم استعاری حرکت در فضا است و بخش کمتری زبانی است (لیکاف و جانسون، ۱۹۹۹: ۱۳۹). آنان مثال‌های زیر را ارائه می‌کنند:

#### (4) Christmas is approaching.

کریسمس در راه است.



(5) The time for action has arrived.

زمان عمل رسیده است.

(6) The end-of-summer sales have passed.

حراج آخر فصل تابستان گذشت.

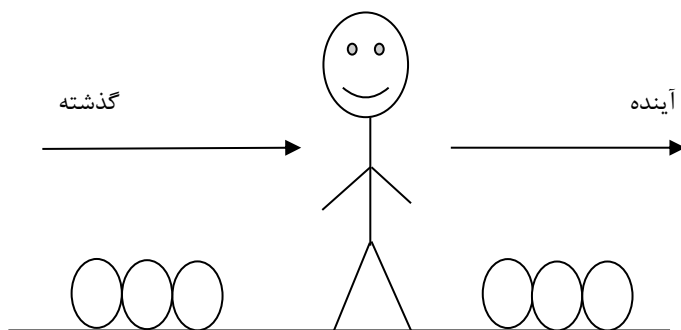
چنانچه در جملات بالا مشاهده می‌شود، در زبان انگلیسی از حرکت برای نشان‌دادن گذر زمان استفاده شده است. ایوانز، نگاشت حوزه مبدأ به حوزه مقصد را در استعاره حالت اول در جدول زیر ترسیم کرده است.

جدول (۱). نگاشت استعاره حرکت زمان (ایوانز، ۲۰۱۵: ۷۴)

حوزه مبدأ: حرکت شیء	نگاشت‌ها	حوزه مقصد: زمان
اشیاء	←	زمان
عبور اشیاء از ناظر	←	گذر زمان
فاصله شیء با ناظر	←	فاصله زمانی رویدادها با ناظر
محل ناظر	←	زمان حال
فضای جلو ناظر	←	زمان آینده
فضای پشت سر ناظر	←	زمان گذشته

همان‌طور که در جدول (۱) دیده می‌شود، مکانی که پیش روی فرد قرار دارد، آینده است و مکانی که فرد در آن واقع شده است، زمان حال بوده و مکان پشت سر وی، گذشته است. به این ترتیب، گویشوران حرکت را به‌صورت گذر زمان درک می‌کنند.

در حالت دومی که لیکاف (۱۹۹۳) مطرح می‌کند، زمان‌های مختلف (آینده، حال و گذشته) مکان ثابتی دارند و فرد از میان آن‌ها حرکت می‌کند. وی این حالت را استعاره حرکت ناظر می‌نامد. شکل (۳) حالت دوم مبنی بر حرکت ناظر را نشان می‌دهد.



شکل (۳). استعاره حرکت ناظر (ایوانز، ۲۰۱۵: ۷۴)

در این حالت، زمان را با حرکت ناظر درک می‌کنیم. ناظر درحین حرکت رویدادهای زمانی را که در مکانی ثابت قرار دارند، پشت سر می‌گذارد. لیکاف و جانسون (۱۹۹۹: ۱۴۳) مثال‌های زیر را به‌منزله شواهدی برای بازنمایی ذهنی زمان ذکر می‌کنند.

(7) They are approaching crisis point.

آن‌ها در حال نزدیک شدن به نقطه بحرانی هستند.

(8) The relationship extended over many years.

رابطه با گذشت زمان پیشرفت کرد.

چنانچه در جملات بالا مشاهده می‌شود، زمان در مکان ثابتی قرار دارد که نمایانگر وقوع رویداد خاصی است و ناظر با حرکت خود گذر زمان را بازنمایی می‌کند. ایوانز (۲۰۱۵: ۷۵) برای تشریح نگاشت موجود در این نوع استعاره جدول زیر را ارائه می‌دهد:

جدول (۲). نگاشت استعاره حرکت ناظر (ایوانز، ۲۰۱۵: ۷۵)

حوزه مبدأ: حرکت ناظر	نگاشت‌ها	حوزه مقصد: زمان
مکان‌ها در مسیر ناظر	←	زمان
حرکت ناظر	←	گذر زمان
فاصله ناظر از مکان	←	فاصله زمانی ناظر با رویدادها
محل ناظر	←	زمان حال
فضای جلوی ناظر	←	زمان آینده
فضای پشت سر ناظر	←	زمان گذشته

با توجه آنچه گفته شد، در ادامه به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته می‌شود.

#### ۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر، برای بررسی دقیق و تعیین استعاره‌های حرکتی زمان از روش نونز و سویتسر (۲۰۰۶) استفاده شده است. آن‌ها استعاره‌های ناظرمرجع را در مقابل استعاره‌های زمانمرجع قرار می‌دهند. در استعاره‌های ناظرمرجع، ناظر می‌تواند ثابت یا متحرک باشد. ممکن است زبان فارسی استعاره‌هایی داشته باشد که در سایر زبان‌های مطالعه شده موجود نباشد. تعدد و تنوع تقسیم‌بندی‌ها و اختلافاتی که ناشی از تفاوت‌های فرهنگی در مطالعات مختلف مشاهده می‌شود، لزوم تعیین انواع استعاره‌های حرکتی زمان در زبان فارسی را بیش از پیش نشان می‌دهد. در این بخش، استعاره‌های حرکتی زمان و چگونگی توزیع آن‌ها در متون سیاسی و اقتصادی موجود در روزنامه شرق بررسی

می‌شود. به نظر می‌رسد برای پوشش دادن تمام استعاره‌های حرکتی زمان و تفکیک آن‌ها از یکدیگر استفاده از علم ریاضیات مناسب باشد، بنابراین در ادامه ابتدا استعاره‌های حرکت زمان از دیدگاه منطق ریاضی بررسی می‌شود.

حالت‌های ممکن استعاره زمان از دید منطق ریاضی: از آنجاکه یافتن استعاره زمان مد نظر نگارندگان است و با توجه به اینکه حرکت زمان از مهم‌ترین استعاره‌های موجود برای زمان است که می‌تواند با مرجعیت یا بی‌مرجعیت ناظر انجام شود، می‌توان سه عنصر زمان، حرکت و ناظر را سه رکن اصلی استعاره‌های حرکتی زمان به‌شمار آورد. از رویارویی این سه عنصر، نه حالت رقم می‌خورد. جدول زیر به روشنی تمام حالت‌های فرضی را در ساخت استعاره زمان نمایش می‌دهد. در این جدول تمام احتمالات موجود برای بیان استعاره‌های حرکتی زمان با توجه به ناظر در نظر گرفته شده است.

جدول (۳). حالت‌های ممکن در ساخت استعاره با سه عنصر زمان، ناظر و حرکت

زمان حرکت می‌کند.	زمان ثابت است.	زمان وجود ندارد.
۱	۴	۷
۲	۵	۸
۳	۶	۹

چنانچه در جدول (۳) دیده می‌شود، از نظر منطق ریاضی، نه حالت مختلف برای رویارویی زمان و ناظر وجود دارد که عبارت‌اند از: (۱) زمان متحرک، ناظر متحرک؛ (۲) زمان متحرک، ناظر ثابت؛ (۳) زمان متحرک، بدون ناظر؛ (۴) زمان ثابت، ناظر ثابت؛ (۵) زمان ثابت، بدون ناظر؛ (۶) بدون زمان، ناظر متحرک؛ (۷) بدون زمان، ناظر متحرک؛ (۸) بدون زمان، ناظر ثابت؛ و (۹) بدون زمان، بدون ناظر.

در این نوع استعاره‌ها دو عنصر اصلی زمان و حرکت نقش اساسی دارند، از این رو هر استعاره‌ای که در آن زمان یا حرکت مطرح نباشد، از موضوع مطالعه خارج است. بدین ترتیب حالت‌های (۷)، (۸) و (۹) در جدول بالا به دلیل عدم زمان و حالت‌های (۵) و (۶) به دلیل عدم حرکت، جزء استعاره‌های حرکتی زمان به‌شمار نرفته و خارج از حوزه بررسی قرار می‌گیرند. حالت‌های (۱)، (۲)، (۳) و (۴) به دلیل برخورداری از هر دو عنصر ضروری، یعنی زمان و حرکت، می‌توانند از نظر منطق ریاضی حالت‌هایی بالقوه برای استعاره‌های حرکتی زمان در هر زبانی باشند.

از آنجاکه اعداد موجود در جدول بالا به منظور تسهیل در تشریح منظور نگارندگان به کار رفته‌اند و از ترتیب مدلی برخوردار نیستند، از این پس از این چهار حالت با ترتیب زیر یاد می‌شود:

- حالت اول: استعاره حرکت زمان؛
- حالت دوم: استعاره حرکت ناظر؛
- حالت سوم: استعاره حرکت ناظر و زمان؛
- حالت چهارم: استعاره حرکت بی ناظر؛

در ادامه، یافته‌های پژوهش ارائه می‌شود.

**حالت اول: استعاره حرکت زمان:** در این حالت ناظر ثابت و زمان در حال حرکت است. زمان حال، نقطه‌ای است که ناظر در آن واقع شده است. هر چه رویدادها به ناظر نزدیک‌تر یا دورتر باشند، زمان کمتری/بیشتری تا وقوع آن‌ها مانده یا از وقوع آن‌ها گذشته است. جملات زیر نمونه‌هایی از این حالت، در داده‌های مورد مطالعه هستند. شایان ذکر است که قسمتی از هر مثال از این حالت (و نیز سه حالت دیگر) که بازتاب استعاری زمان را دربر دارند با خطی در زیر آن مشخص خواهد شد.

(۹) امسال با توجه به فرارسیدن زمان برگزاری مجامع بانک‌ها، بانک مرکزی در نامه‌ای به مدیران بانکی بر پیش شرط‌های لازم برای برگزاری مجامع تأکید ... کرد.

(۱۰) بانک مرکزی هم در سال‌های گذشته نظارت مؤثری نداشته است.

(۱۱) این رویکرد پس از گذشت بیش از یک سده به سیاست دولت تبدیل شده است.

(۱۲) ... درحالی که زمان به عقب بر نمی‌گردد.

(۱۳) در دولت‌های گذشته این اتفاق رخ داده که وزیری از مجلس رأی اعتماد گرفته باشد.

در جمله (۹)، زمان برگزاری مجامع بانک‌ها از آینده به سمت ناظر (بانک مرکزی) حرکت می‌کند و به آن نزدیک می‌شود؛ همچنین، مفهوم زمان (زمان برگزاری مجامع بانک‌ها) در قالب حرکت در مکان درک می‌شود؛ زیرا فعل «رسیدن» در معنای اولیه خود برای رسیدن به یک مکان به کار می‌رود؛ در جمله (۱۰)، سال‌های متوالی از بانک مرکزی (ناظر) عبور کرده، از آن دور شده و به سمت گذشته رفته‌اند. در جمله (۱۱)، حرکت زمان در بیش از یک سده از گذشته به سمت حال ادامه داشته است. در جمله (۱۲)، حرکت زمان به سمت گذشته امکان‌ناپذیر پنداشته شده است؛ و در جمله (۱۳)، دولت‌های گذشته دوره‌های زمانی‌ای هستند که به زمان حال رسیدند و پس از طی شدن به سمت گذشته رفته‌اند.

در (۳۰) مقاله سیاسی، شاهد (۵۹) نمونه و در (۳۰) مقاله اقتصادی شاهد (۸۱) استعاره زمان از نوع

حرکت زمان بودیم.

جدول (۴). آمار توصیفی استعاره‌های حرکت زمان در متون سیاسی و اقتصادی

انحراف معیار	میانگین	مجموع استعاره‌ها	حداکثر	حداقل	تعداد مقالات
۱/۶۷	۰/۱۳	۵۹	۴	۰	۳۰
۲/۳۵	۲/۷	۸۱	۷	۰	۳۰

حالت دوم: استعاره حرکت ناظر: در این نوع استعاره‌ها، زمان در مکانی ثابت واقع شده و ناظر در حال حرکت است. دوربودن یا نزدیک‌بودن ناظر و زمان از هم، نشان‌دهنده فاصله زمانی میان ناظر و وقوع رویداد است، مثال:

(۱۴) به دولت آقای روحانی رسیدیم.

(۱۵) پس ... [آن‌ها] همواره دنبال این هستند که در کوتاه‌مدت چهارساله به نقطه‌ای برسند که بازهم در دوره بعدی رأی بیاورند.

(۱۶) [آن‌ها] در این میان، در روزهای پیش رو، پشت ترافیک مجامع شمار زیادی از بانک‌های بورسی و فراپورسی قرار گرفته‌اند.

(۱۷) دولت روزهای رکود خود را طی کرد.

(۱۸) ما به عقب بر نمی‌گردیم.

در جمله (۱۴)، ما به‌مثابه ناظر از گذشته به سمت حال در حرکت هستیم و در زمان حال به نقطه‌ای در زمان می‌رسیم که دولت آقای روحانی شروع به کار می‌کند. در جمله (۱۵)، آن‌ها (افراد) در طی چهار سال در حال حرکتی به سمت آینده هستند تا به نقطه‌ای برسند که دوباره رأی بیاورند. در جمله (۱۶)، در عبارت «در روزهای پیش رو» زمان این‌گونه بازتاب یافته است که افرادی درحالی که به سمت آینده در حرکت هستند در جایی (پشت ترافیک) متوقف می‌شوند. در جمله (۱۷)، این نکته بیان شده که دولت (ناظر) در حرکت خود به سمت آینده روزهای رکود را پشت سر گذاشته است؛ و در جمله (۱۸)، ناظر نمی‌خواهد به سمت گذشته (عقب) حرکت کند.

در مجموع، در (۳۰) مقاله اقتصادی (۱۶) نمونه و در (۳۰) مقاله سیاسی (۱۹) استعاره زمان از نوع حرکت ناظر مشاهده شد.

جدول (۵). آمار توصیفی استعاره‌های حرکت ناظر در متون سیاسی و اقتصادی

انحراف معیار	میانگین	مجموع استعاره‌ها	حداکثر	حداقل	تعداد
۰/۸۷	۰/۶	۱۹	۲	۰	۳۰
۰/۹۷	۰/۵	۱۶	۳	۰	۳۰

حالت‌های اول و دوم حالت‌هایی هستند که اولین بار لیکاف و جانسون (۱۹۹۹ و ۱۹۸۰) مطرح کرده‌اند. این دو حالت به‌طور گسترده به‌وسیله سایر پژوهشگران در زبان‌های دیگر پذیرفته شده‌اند.

حالت سوم: استعاره حرکت زمان و ناظر: حالت سوم آن چیزی است که لیکاف و ترنر (۱۹۸۹) آن را حالت دوگانه و یو<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) حالتی مستقل در نظر می‌گیرند. در این حالت زمان و فرد هر دو در حال حرکت هستند و می‌توانند از هم پیشی بگیرند یا عقب بیفتند، مثال:

(۱۹) تعداد زیادی از افراد به رأی‌گیری نرسیدند.

(۲۰) ما از برنامه تبلیغاتی جلو تریم.

در جمله (۱۹)، تعداد زیادی از افراد (ناظران) به سمت آینده در حرکت بوده‌اند و زمان رأی‌گیری نیز از آینده به سمت آن‌ها در حرکت بوده است؛ اما این افراد به‌موقع به زمان مورد نظر نمی‌رسند و در مثال (۲۰) نیز ناظر (ما) و زمان (برنامه تبلیغاتی) هر دو در حال حرکت‌اند و ناظر از زمان سبقت گرفته است. در مقاله‌های اقتصادی نمونه‌ای از استعاره حرکت ناظر و زمان یافت نشد و در مقاله‌های سیاسی نیز تنها دو نمونه بالا مشاهده شد (جدول ۶).

جدول (۶). آمار توصیفی استعاره حرکت زمان و ناظر در متون سیاسی و اقتصادی

	انحراف معیار	میانگین	مجموع استعاره‌ها	حداکثر	حداقل	تعداد مقالات
متون اقتصادی	۰	۰	۰	۰	۰	۳۰
متون سیاسی	۰/۲۵	۰/۰۶	۲	۱	۰	۳۰

حالت چهارم: استعاره حرکت بی‌ناظر: حالت چهارم را می‌توان همان حالتی دانست که نونز و سویتسر (۲۰۰۶)، زمان مرجع نامیده‌اند. در این حالت ناظر وجود ندارد و رویدادهای زمانی نسبت به یکدیگر سنجیده می‌شوند، مثال:

(۲۱) جلسه تشخیص مصلحت نظام روزهای رکود خود را طی می‌کند.

(۲۲) چند روز از انتخابات ریاست جمهوری گذشته است.

(۲۳) پروژه‌های ما به تأخیر می‌افتد.

(۲۴) ایران‌زمین و کارآفرین هم مجمع خود را به تاریخ دیگری موکول کردند.

در جمله (۲۱)، جلسه تشخیص مصلحت نظام که خود زمان معینی دارد در طی روزهایی در حال

گذراندن حالت رکود است؛ یعنی، در طول دوره رکود در حال حرکت است. در جمله (۲۲)، زمان چند روز از نقطه معینی در گذشته (انتخابات ریاست جمهوری) گذشته و به حال رسیده است. در جمله (۲۳)، زمان انجام پروژه‌ها به سمت آینده‌ای دورتر از زمانی که قبلاً مد نظر بوده است حرکت می‌کنند و در جمله (۲۴)، زمان مجمع بانک‌های ایران زمین و کارآفرین حرکت داده می‌شود و به زمان دیگری در آینده می‌رود. جدول (۷) میانگین استعاره حرکت بی‌ناظر را در متون سیاسی و اقتصادی مورد مطالعه نشان می‌دهد:

جدول ۷. آمار توصیفی استعاره‌های حرکت بی‌ناظر در متون سیاسی و اقتصادی

انحراف معیار	میانگین	مجموع استعاره‌ها	حداکثر	حداقل	تعداد مقالات
۰/۶۲	۰/۴	۱۲	۲	۰	متون سیاسی ۳۰
۰/۴۸	۰/۲	۶	۲	۰	متون اقتصادی ۳۰

در (۳۰) مقاله اقتصادی شاهد (۶) نمونه و در مقالات سیاسی شاهد (۱۲) نمونه استعاره زمان از نوع حرکت بی‌ناظر بودیم. چنانچه دیده شد، در داده‌های مورد مطالعه، هر چهار نوع استعاره حرکتی زمان یافت گردید و می‌توان به‌طور خلاصه، جدول زیر را ترسیم کرد:

جدول (۸). توزیع فراوانی استعاره‌های حرکتی زمان در شصت مقاله سیاسی و اقتصادی

استعاره‌ها	فراوانی داده‌های متون اقتصادی	فراوانی داده‌های متون سیاسی
استعاره حرکت زمان	۸۱	۵۹
استعاره حرکت ناظر	۱۶	۱۹
استعاره حرکت زمان و ناظر	۰	۲
استعاره حرکت بی‌ناظر	۶	۱۲

داده‌های پژوهش با آزمون تی در اس.پی.اس.اس (۲۰)<sup>۱</sup> بررسی شد. انجام آزمون تی نیازمند بررسی توزیع نرمال بودن داده‌هاست و برای بررسی آن از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد.

جدول (۹). آزمون تعیین نرمال بودن داده‌ها

فرض صفر	نوع آزمون	سطح معناداری	نتیجه
توزیع استعاره حرکت زمان با میانگین ۲/۳۳ و انحراف معیار ۲/۰۷۰ نرمال است.	کولموگروف اسمیرنوف	۰/۰۰	رد

<sup>۱</sup>. SPSS (20)

## ادامه جدول (۹). آزمون تعیین نرمال بودن داده‌ها

نتیجه	سطح معناداری	نوع آزمون	فرض صفر
رد	۰/۰۰	کولموگروف اسمیرنوف	توزیع استعاره حرکت ناظر با میانگین ۰/۵۸ و انحراف معیار ۰/۸۸ نرمال است.
رد	۰/۰۰	کولموگروف اسمیرنوف	توزیع استعاره حرکت ناظر و زمان با میانگین ۰/۳۳۹ و انحراف معیار ۰/۱۸۱ نرمال است.
رد	۰/۰۰	کولموگروف اسمیرنوف	توزیع استعاره حرکت بی ناظر با میانگین ۰/۰۳ و انحراف معیار ۰/۵۶۱ نرمال است.

همان گونه که مشاهده می‌شود، آماره آزمون‌ها برای داده‌های مربوط کمتر از (۰/۰۵) است؛ بنابراین داده‌های مربوط به آن‌ها نرمال نبوده و استفاده از آزمون تی برای تحلیل داده‌ها مناسب تشخیص داده نشد. در عوض، از آزمون یو من ویتنی که یک آزمون ناپارامتری معادل با آزمون تی مستقل است استفاده شد که تفاوت بین دو گروه مستقل در خصوص یک متغیر دارای داده‌های رتبه‌ای یا ترتیبی را بررسی می‌کند. در ادامه، به نتایج حاصل از این آزمون برای تعیین معنی داری تفاوت‌ها می‌پردازیم.

**الف: استعاره حرکت زمان:** نتایج مربوط به مقایسه استعاره‌های حرکت زمان در متون مورد بررسی در جدول زیر خلاصه شده است:

## جدول (۱۰). مقایسه استعاره‌های حرکت زمان در متون سیاسی و اقتصادی

شاخص آماری متغیر	میانگین	مقدار یو من ویتنی	مقدار Z	سطح معنی داری sig.
حرکت زمان	سیاسی ۱/۹۶	-۱/۳۸۱	۵۸	۰/۳۲۸
	اقتصادی ۲/۷			

همان طور که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، سطح معنی داری این آزمون برابر با (۰/۳۲۸) است که بیشتر از (۰/۰۵) است؛ بنابراین، بین میزان استعاره‌های حرکت زمان در متون اقتصادی و متون سیاسی اختلاف معنی داری وجود ندارد، اگرچه تعداد آن‌ها در متون اقتصادی بیشتر است.

**ب: استعاره حرکت ناظر:** در جدول (۱۱)، نتایج حاصل از مقایسه استعاره حرکت ناظر در متون اقتصادی و متون سیاسی آمده است.

## جدول (۱۱). مقایسه استعاره‌های حرکت ناظر در متون سیاسی و اقتصادی

شاخص آماری متغیر	میانگین	مقدار من ویتنی	سطح معنی داری sig.
حرکت ناظر	سیاسی ۰/۶	۰/۳۹۸	۰/۳۷۰
	اقتصادی ۰/۵		



همان‌طور که در جدول (۱۱) ملاحظه می‌شود، سطح معنی‌داری این آزمون برابر با (۰/۳۷۰) است که بیشتر از (۰/۰۵) است؛ بنابراین، بین میزان استعاره‌های حرکت ناظر در متون سیاسی و اقتصادی اختلاف معنی‌داری وجود ندارد، اگرچه تعداد آن‌ها در متون سیاسی اندکی بیشتر است.

**ج: استعاره حرکت زمان و ناظر:** در جدول (۱۲)، نتایج حاصل از مقایسه استعاره‌های حرکت زمان و ناظر در متون سیاسی و اقتصادی آمده است.

جدول (۱۲). مقایسه استعاره حرکت زمان و ناظر در متون سیاسی و اقتصادی

شاخص آماری متغیر	میانگین	مقدار یو من ویتنی	سطح معنی‌داری sig.
حرکت زمان و ناظر	سیاسی ۰/۰	۰/۴۲۰	۰/۱۵۴
	اقتصادی ۰/۰۶		

همان‌طور که در جدول بالا دیده می‌شود، سطح معنی‌داری این آزمون برابر با (۰/۱۵۴) است که بیشتر از (۰/۰۵) است؛ بنابراین، بین میزان استعاره‌های حرکت زمان و ناظر در متون سیاسی و اقتصادی اختلاف معنی‌داری وجود ندارد، اگرچه تعداد آن‌ها در متون اقتصادی اندکی بیشتر است.

**د: استعاره حرکت بی‌ناظر:** در جدول (۱۳)، نتایج حاصل از مقایسه استعاره‌های حرکت بی‌ناظر در متون اقتصادی و سیاسی آمده است:

جدول (۱۳). مقایسه استعاره‌های حرکت بی‌ناظر در متون سیاسی و اقتصادی

شاخص آماری متغیر	میانگین	مقدار یو من ویتنی	سطح معنی‌داری sig.
حرکت بی‌ناظر	سیاسی ۰/۲	۰/۳۷۵	۰/۱۴۲
	اقتصادی ۰/۰۴		

همان‌طور که در جدول (۱۳) ملاحظه می‌شود، سطح معنی‌داری این آزمون برابر با (۰/۱۴۲) است که بیشتر از (۰/۰۵) است؛ بنابراین، بین میزان استعاره‌های حرکت بی‌ناظر در متون سیاسی و اقتصادی اختلاف معنی‌داری وجود ندارد، اگرچه تعداد آن‌ها در متون سیاسی اندکی بیشتر است.

## ۵- بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های پژوهش، الگوی نگاشت «زمان به‌مثابه شیء است» و «زمان به‌مثابه حرکت است» در استعاره‌های زمان موجود در مقالات سیاسی و اقتصادی مورد مطالعه در *روزنامه شرق* (۱۳۹۶) عمل می‌کند و نظریه لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) در تبیین استعاره زمان کارایی لازم را دارد؛ همچنین زمان و

مکان به لحاظ استعاری و در سطح باز نمود زبانی با هم مرتبط‌اند و در بیشتر موارد مفاهیم زمانی با استفاده از مفاهیم مکانی بیان شده‌اند. در پژوهش حاضر، با استفاده از روش نونز و سویتسر (۲۰۰۶) و منطق ریاضی، استعاره‌های حرکتی زمان در چهار حالت استعاره «حرکت زمان»، «حرکت ناظر»، «حرکت ناظر و زمان» و «حرکت بی‌ناظر» بررسی شدند و برای آن‌ها شواهدی ارائه شد. در (۶۰) مقاله مورد مطالعه، (۱۴۰) نمونه استعاره (۷۲٪) از نوع استعاره حرکت زمان، (۳۵) نمونه (۱۸٪) از نوع استعاره حرکت ناظر، (۲) نمونه (۱٪) از نوع استعاره حرکت ناظر و زمان و (۱۸) نمونه (۹٪) از نوع استعاره حرکت بی‌ناظر مشاهده شد که نشان‌دهنده بازتاب زمان در آن‌هاست.

نتایج مقایسه استعاره‌های موجود که با استفاده از آزمون ناپارامتری یو-من ویتنی انجام شد، نشان می‌دهد اگرچه در تعداد و توزیع انواع استعاره‌ها تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود؛ اما تفاوت معناداری بین آن‌ها در هریک از متون اقتصادی و سیاسی مورد مطالعه وجود ندارد. با توجه به بالاترین بسامدهای وقوع در کل داده‌ها، می‌توان گفت که الگوی غالب در این متون استعاره حرکت زمان است؛ زیرا از نگاهت حرکت رویدادها بسیار بیشتر از حرکت خود ناظر استفاده شده است؛ همچنین، تفاوت معناداری بین این استعاره و سه نوع دیگر وجود دارد.

نکته مورد توجه در زمینه انواع حالت‌های استعاره حرکتی زمان بسامد هریک از آن‌ها در زبان‌هاست. آیا بسامد انواع استعاره‌های حرکتی زمان در زبان‌ها الگوی یکسان و قابل پیش‌بینی‌ای دارد؟ آیا می‌توان گفت که برخی حالت‌های این استعاره در همه زبان‌ها بیش از سایر حالت‌ها مشاهده می‌شود؟ برای مثال، اگر زبانی هر دو استعاره حرکت زمان و حرکت ناظر و زمان را داشته باشد، آیا می‌توان گفت که حتماً بسامد استعاره حرکت زمان در این زبان بیش از استعاره حرکت ناظر و زمان است؟ یو (۱۹۹۸) بسامد استعاره حرکت زمان و ناظر را کمتر از استعاره‌های حرکت زمان و حرکت ناظر می‌داند و نتایج نوشتار پیش رو با یافته‌های او هم‌سو است. یوسفی‌راد (۱۳۸۲) نیز بسامد این استعاره را در فارسی محدود به چند عبارت انگشت‌شمار و قابل پیش‌بینی می‌داند و در پژوهش حاضر نیز مشخص شد که بسامد استعاره حرکت زمان و ناظر از بسامدی ناچیز برخوردار است و از الگوی غالب بسیار فاصله دارد؛ بنابراین نگارندگان معتقدند که می‌توان از تلقی این استعاره به‌مثابه یک الگو صرف‌نظر کرد؛ بنابراین، هم‌سو با دیدگاه نونز و سویتسر (۲۰۰۶) مبنی بر وجود بیش از یک الگوی زمانی در زبان‌ها، در زبان فارسی نیز حداقل سه الگو وجود دارد که یکی از آن‌ها غالب است.

بر اساس نتایج مطالعه منصور (۱۳۹۵)، کودکان استعاره‌هایی را که شامل حرکت خود فرد هستند

زودتر از آن‌هایی که از نگاشت حرکت رویدادها ایجاد شده‌اند فرامی‌گیرند. از این رو می‌توان گفت که الگوی غالب در مورد کودکان الگوی حرکت ناظر است. خوشخونزاد (۱۳۹۸) نیز نشان داده است که الگوی درک تعبیر استعاری زمان در فارسی حرکت ناظر و در بلوچی سرحدی حرکت زمان است. برخلاف این دو مطالعه، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که الگوی غالب استعاری زمان در متون سیاسی و اقتصادی فارسی‌زبان، مانند بلوچی سرحدی، حرکت زمان است و این امر نشان‌دهنده این نکته است که زمان در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی می‌تواند بنیادی‌تر از مکان باشد، اگرچه هر دو از نظر مفهومی باهم مرتبط‌اند. در متون اقتصادی مورد مطالعه بازتاب استعاری حرکت زمان حتی بیش از متون سیاسی است که نشان از اهمیت لحظه‌به‌لحظه زمان در حوزه اقتصاد و مسائل اقتصادی دارد.

### منابع

- افراشی، آزیتا (۱۳۹۲). ادراک و بازنمود زبانی زمان: تحلیلی شناختی. مجموعه مقالات دومین همایش زبان‌شناسی و آموزش زبان فارسی، (صص. ۵۲-۶۶). شیراز: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات فارس.
- خوشخونزاد، امیرعلی (۱۳۹۸). بررسی مقایسه‌ای برخی عوامل مؤثر بر تعبیر استعاری زمان در فارسی و بلوچی سرحدی: رویکردی شناختی. رساله دکتری، زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- روشن، بلقیس و لیلا اردبیلی (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی. تهران: نشر علم.
- روشن، بلقیس و مینا وندحسینی (۱۳۹۵). خطوط زمان در زبان فارسی. مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۳ (۱۴)، ۷۷-۱۰۱.
- سجودی، فرزانه و زهرا قنبری (۱۳۹۱). بررسی معناشناختی استعاره زمان در داستان‌های کودک به زبان فارسی (رده سنی الف، ب، ج). نقد ادبی، ۵ (۱۹)، ۵۰-۷۰.
- شرف‌زاده، محمدحسین؛ فاطمه علوی و آسیه علیمردانی (۱۳۹۲). یک رویکرد شناختی به مفهوم استعاری زمان در زبان فارسی. مجموعه مقالات دومین همایش زبان‌شناسی و آموزش زبان فارسی، شیراز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات فارس.
- کوچش، زلتان (۱۳۹۳). مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره. ترجمه: شیرین پوراابراهیم، تهران: سمت.
- یوسفی‌راد، فاطمه (۱۳۸۲). بررسی استعاره زمان در زبان فارسی: رویکرد معنی‌شناسی شناختی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- منصوری، بهاره (۱۳۹۵). فراگیری استعاره‌های حرکتی زمان در کودکان فارسی‌زبان. رساله دکتری. تهران: پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

## References

- Afrashi, A. (2013). Perception and linguistic representation of time: A cognitive Analysis. *2<sup>nd</sup> National conference on Farsi Language Teaching and Linguistics*, Shiraz: Islamic Azad University, Science and Research Branch of Fars (in Persian).
- Alverson, H. (1994). *Semantics and experience: Universal metaphors of time in English, Mandarin, Hindi and Sesotho*. John Hopkins University Press.
- Boroditsky, L. & Ramscar, M. (2002). "The roles of the body and mind in abstract thought," *Psychological Science*, 13(2), 185-188.
- Boroditsky, L. (2000). "Metaphoric structuring: Understanding time through spatial metaphors." *Cognition*, 75(1), 1-28.
- Casasanto, D. & Boroditsky, L. (2008). "Time in the mind: Using space to think about time." *Cognition*, 106 (2), 579-593.
- Clark, H. H. (1973). "Space, time, semantics, and the child," in T.E. Moore (ed.), *Cognitive Development and the Acquisition of Language*. NY: Academic Press.
- Duffi, S. E. & Evans, V. (2016). "The top trumps of time: Factors motivating the resolution of temporal ambiguity," *Language and Cognition*. <http://doi.org/10.1017/langcog.2016.8>
- Duffi, S.E. & Feist, M. I. (2014). "Individual differences in the interpretation of ambiguous statements about time," *Cognitive Linguistics*, 25(1), 29-54.
- Evans, V. & Green, M. (2006). *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press Ltd.
- Evans, V. (2015). *The crucible of language: How language and mind create meaning*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Galton, A. (2011). "Time flies but space does not: Limits to the specialization of time." *Journal of Pragmatics*, 43(3), 695-703.
- Khoshkhoonejad, A. (2019). *A Comparative analysis of Some Factors affecting Metaphorical Comprehension of Time Concept in Persian and Baluchi Sarhadi*. PhD Thesis. Zahedan: University of Sistan and Baluchestan (in Persian).
- Kövecses, Z. (2014). *Metaphor; A Practical Introduction*. Translated by Shirin Pourebrahim. Tehran: SAMT (in Persian).
- Lakoff, G. & Johnson, M. (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago: University of Chicago Press.
- Lakoff, G. & Johnson, M. (1999). *Philosophy in the flesh: the embodied mind and its challenges to western thought*. NY: Basic Books.
- Lakoff, G. (1987). *Woman, fire and dangerous things: what categories tell us about the mind*. Chicago: University of Chicago Press.
- Lakoff, G. (1993). "The contemporary theory of metaphor," in A. Ortony, (ed.), *Metaphor and Thought*, (2<sup>nd</sup> ed.), 202-51. Cambridge; Cambridge University Press.
- Mansoori, B. (2016). *The Acquisition of Spatial Metaphors of time in Persian Speaking Children*. PhD Thesis. Faculty of linguistics Institute for Humanities & Cultural Studies, Tehran (in Persian).
- Morena Lara, M. A. (2004). *La mefora conceptualmente el lenguaje politico periodistico; configuracion, interacciones y niveles de descripcion*. Thesis doctoral, Universidad de la Rioja. Espania.

- Núñez, R.E., & Sweetser, E. (2006). "With the future behind them: convergent evidence from Aymara language and gesture in cross linguistics comparison of spatial construals of time." *Cognitive Science*, 30(3), 401-450.
- Radden, G. (2003). "The metaphor TIME AS SPACE across language." *Zeitschrift fur interkulturellen fremdsprachenunterricht*, 8(2), 226-239.
- Rovshan, B., & Ardebili, L. (2013). *An Introduction to Cognitive Semantics*. Tehran: Elm (in Persian).
- Rovshan, B., & Vandhosseini, M. (2016). Time Lines in the Persian Language. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 3(14), 77-102 (in Persian).
- Saeed, J. I. (2003). *Semantics*. Oxford: Blackwell.
- Sharafzadeh, H., Alavi, F., & Alimardani, A. (2013). A cognitive approach to metaphorical concept of Time in Persian. *2<sup>nd</sup> National conference on Farsi Language Teaching and Linguistics*, Shiraz: Islamic Azad University, Science and Research Branch of Fars (in Persian).
- Sojoodi F., & Ghanbari, Z. (2012). Metaphor of Time in Persian Children Books (a, b, c Age Groups): A Cognitive Approach. *Literary Criticism*, 5 (19), 50-70 (in Persian).
- Talmy, L. (2000). *Toward a cognitive semantics*, (Vol. 1). Cambridge, MA: MIT Press.
- Traugott, E. C. (1978). On the expression of spatio-temporal relations in language. *Universals of human language*, Vol. 3: *Word Structure*, J. Greenberg, C. Ferguson & E. Moravcsik, (eds.), 369-400. Stanford: Stanford University Press.
- Yousefirad, F. (2003). *Analyzing Time Metaphors in Persian: Cognitive Semantics Approach*. M.A Thesis, Tehran: Tarbiat Modarres University (in Persian).
- Yu, N. (1998). *The Contemporary Theory of Metaphor: A Perspective from Chinese*. Amsterdam: John Benjamins.